

بن‌مایه‌های روان‌شناختی مفهوم عشق در مثنوی و مقایسه آن با

نظریه‌های صاحب‌نظران غربی (فروید، بالبی، اشترنبرگ، جانسون، فروم،

مازلو)

1. محسن دوستکام 2. لیلی عباسی منتظری 3. سپیده پور حسینی 4. حسین آریان

1 دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

2 دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه آزاداسلامی، واحد یاسوج، عضو

باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، یاسوج، ایران.

3 دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

4 دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان - گروه زبان و ادبیات فارسی

### چکیده:

همانطور که می‌دانیم عشق، یکی از مهم‌ترین و درعین‌حال بحث‌برانگیزترین مفاهیمی است که تاکنون از دیدگاه‌های متنوع، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌است. سال‌هاست که دانشمندان علوم مختلف درباب حقیقت و چگونگی آن، تحقیقات گسترده‌ای را انجام و ماحصل آن را در کتاب‌ها و مقالات متعدد انتشار داده‌اند. یکی از موارد اساسی و قابل تأمل در این موضوع، توجه به مشخصه روحی- روانی آن است. از آنجاکه عشق، احساسی است که با شخصیت و روان فرد ارتباط تنگاتنگی دارد، بنابراین نظریات روان‌شناسان درباره ماهیت و چیستی آن متفاوت است؛ زیرا هرکس با توجه به ویژگی‌های ذاتی، قابلیت‌های روحانی و نیز جهان‌بینی خاص خود، جنبه‌های مختلفی از آن را در وجود خود درک می‌کند و بروز می‌دهد. از طرف دیگر دیدگاه عارفان نیز به نوعی متأثر از ریشه‌های روان‌مدارانه عشق به همراه دریافت‌های درونی و ذوقی و همچنین احوال ماورائی است. دراصل اینان با اشراف بر ضمائر، استعداد هر انسانی را از این مفهوم و پذیرش آن مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده‌اند و برای آن با توجه به پذیرندگی‌های گوناگون افراد، انواع مختلفی قائل شده‌اند و این دقیقاً همان چیزی است که امروزه با گسترش علم و فناوری و تکامل علم‌النفوس، در چاپ‌وب مکتب‌ها و نظریه‌های بی‌شمار به اثبات رسیده‌است. در این میان مولوی، یکی از معدود کسانی است که در کتاب خود (مثنوی)، در قالب یک عارف عالم، درباره این امر از جهات روان‌شناختی، عرفانی، اجتماعی، دینی، لغوی و ریشه‌شناختی کنکاش نموده و به نتایج جامعی دست یافته‌است. این مقاله کوششی است در جهت نقد ابعاد روانی عشق در مشرب عرفانی مولانا و مقایسه آن با نظریات ارائه شده توسط روان‌شناسان در مکاتب معتبر غربی. درواقع برآنیم تا شباهت‌ها و تفاوت‌های میان این عقاید و مزیت‌های یکی بر دیگری را مورد نقد و داوری قرار دهیم.

واژگان کلیدی: عشق، مولانا، روان‌شناسی، عرفان، انسان